

روابط ایران و روسیه: وضعیت و چشم انداز

مهدی شاپوری*

اشاره:

با سفر اخیر رئیس جمهور ایران به روسیه (هفتم و هشتم فروردین ۱۳۹۶)، نهمین ملاقات حسن روحانی و ولادیمیر پوتین در طول چهار سالی که از عمر دولت یازدهم در ایران می‌گذرد، صورت گرفت. در این دیدار، توافقات جدیدی در زمینه‌های مختلف میان دو کشور انجام و بر «برداشتن قدم‌های جدید بری ارتقاء سطح روابط و گسترش عرصه‌های تعامل و مشارکت ایران و روسیه» تأکید شد. در این نوشتار، ضمن اشاره به تحولات و دستاوردهای این سفر، به وضعیت کلی روابط ایران و روسیه و منطق، الزامات و موانع آن پرداخته می‌شود.

مقدمه

روابط ایران و روسیه در سال‌های اخیر به طور کم‌سابقه‌ای هم گسترش پیدا کرده و هم تعمیق یافته است. طبیعتاً یکی از دلایل اصلی این موضوع، مسائل و منافع مشترکی است که دو کشور را ترغیب یا ناچار به همکاری می‌کند. اما به نظر می‌رسد یک دلیل مهم دیگر نیز برای این مسئله وجود دارد و آن عبارت است از افزایش آگاهی و اراده مقامات ارشد دو کشور برای فائق آمدن بر برخی ذهنیت‌ها و کلیشه‌های منفی تاریخی؛ که سال‌ها بر رفتارها و روابط دوجانبه دو کشور سایه انداخته و مانع تعاملی پایدار و منطقی بین آن‌ها در راستای برآوردن منافع مشترک در روابط دوجانبه و در برخی موضوعات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. در واقع، به نظر می‌رسد ایران و روسیه تصمیم گرفته‌اند بر اساس واقعیت‌ها و الزامات مربوط به جایگاه و منافع‌شان در زمانه کنونی و با نگاه به آینده، روابط خود را تنظیم کنند و ارتقاء دهند. در همین راستا، رئیس جمهور ایران روز هفت فروردین ۱۳۹۶

به روسیه سفر کرد و با مقامات ارشد این کشور به ویژه رئیس جمهوری آن دیدار و گفتگو کرد. این نهمین دیدار حسن روحانی با ولادیمیر پوتین در طول چهار سال گذشته، یعنی در طول حیات دولت یازدهم، به‌شمار می‌رود. به هر حال، نه دیدار میان رئیس جمهور ایران و روسیه در طول چهار سال، نشان از اهمیت و جدیت روابط دو کشور و اراده آن‌ها برای گسترش و ارتقای روابط دوجانبه دارد.

در مجموع، تداوم روند و رویکرد کنونی در روابط ایران و روسیه، می‌تواند به گسترش و تعمیق بیشتر روابط دو کشور بینجامد؛ مسئله‌ای که در راستای منافع آن‌ها می‌تواند پیش رود. البته نمی‌توان انکار کرد که اختلافاتی نیز میان ایران و روسیه وجود دارد و دو کشور در برخی حوزه‌ها و در رابطه با بعضی موضوعات، منافع متفاوت و حتی بعضاً متعارضی نیز دارند. با این حال، به نظر می‌رسد در طول چهار سال گذشته، دولت‌های دو کشور توانسته‌اند به خوبی روابط دوجانبه را مدیریت کنند که محصول آن، روند و رویکرد مناسبی است که هم‌اکنون بر روابط دو کشور حاکم است.

روابط ایران و روسیه؛ نگاهی تاریخی

روابط ایران و روسیه قدمتی بیش از پنج قرن دارد. روابط دو طرف در طول این دوران، پر فراز و نشیب بوده است. روس‌ها که از قرن هفتم بعد از میلاد از اروپای شرقی به سمت سرزمین امروزی اوکراین سرازیر شدند و به مرور زمان به ویژه بعد از شکست مغول‌ها

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

و پایه‌گذاری امپراتوری تزاری، دست به تصرف مناطق شرقی، غربی و جنوبی خود زدند، در بیشتر اوقات برای ایران (به‌عنوان همسایه جنوبی‌شان) دردسرساز بوده‌اند. نمونه‌های فراوانی از ایجاد مشکل برای ایرانیان توسط روس‌ها در تاریخ وجود دارد که جنگ‌های ایران و روس، قراردادهای ترکمنچای، گلستان و آخال و مداخلات گسترده در امور داخلی ایران و تهدیدات جدی علیه تمامیت ارضی از جمله آنها هستند. موارد برجسته‌ای که در حافظه هر ایرانی وجود دارد و به برداشتی منفی نسبت به روسیه در افکار عمومی ایرانیان شکل داده است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با توجه به ماهیت و جهت‌گیری‌های انقلاب در سیاست خارجی و نسبت به نظام بین‌الملل (که عمدتاً ضد آمریکایی بود) و همچنین الزامات و تنگناهای ناشی از شرایط جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پس از آن، فشارها و تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی، روابط ایران و روسیه وارد مرحله جدیدی شد که قبل از آن سابقه نداشت.

بعد از فروپاشی شوروی، مناسبات ایران و روسیه جدید رو به گسترش نهاد و پس از روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد. در واقع، برآمدن پوتین با رویکردی ملی‌گرایانه در سیاست خارجی، فرصت‌ها و منافع مشترک بیشتری در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه ایجاد کرد. با وجود این، تا قبل از سال ۲۰۱۱ و شروع بحران سوریه، مسائل و موضوعات چندی باعث برخی اختلافات و حتی تنش‌های مقطعی در روابط دو کشور شد که مهمترین آن‌ها، بحث رژیم حقوقی دریای خزر و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن و همراهی روسیه با فشارها و تحریم‌ها علیه ایران در مسئله هسته‌ای بوده است. بعد از شروع بحران در سوریه، به دلیل منافع مشترکی که تهران و مسکو در حفظ حکومت اسد دارند دو طرف به هم نزدیک‌تر شدند. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران و شروع مذاکرات هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی، فرصت مناسبی برای ارتقای روابط ایران و روسیه به وجود آمد و به این ترتیب، سطح تعاملات و رفت و آمدهای دیپلماتیک میان دو کشور به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافت به گونه‌ای که می‌توان گفت در دولت یازدهم، بخش مهمی از دیپلماسی و سیاست خارجی ایران بر روابط با روسیه متمرکز بوده است.

رؤسای جمهوری ایران و روسیه در طول کمتر از چهار سال گذشته نه بار با هم ملاقات کرده‌اند که این بیشترین میزان ملاقات حسن روحانی با رئیس‌جمهور یک کشور دیگر است. آقای روحانی در دیدار اخیرش از روسیه در نشست خبری مشترک با

رئیس‌جمهور این کشور درباره اهمیت این ملاقات‌ها گفت: «در هر ملاقات نسبت به ملاقات پیشین، شاهد پیشرفت بوده‌ایم». به هر حال، اینکه آقای روحانی آخرین سفر خارجی خود در دولت یازدهم را به روسیه انجام داد، نشان می‌دهد روابط تهران و مسکو برای دولت جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. در مجموع، جمهوری اسلامی ایران و روسیه در روابط دو جانبه و همچنین در رابطه با تحولات و مسائل منطقه‌ای چه در خاورمیانه و چه در آسیای مرکزی و قفقاز، دریای خزر و افغانستان و در سطح بین‌المللی درباره بسیاری از موضوعات و مسائل دارای منافع همسو و مشترک قابل توجهی هستند که بهره‌برداری از آن‌ها، نیازمند گذر از برخی ذهنیت‌ها و کلیشه‌های منفی تاریخی در روابط دو کشور و تلاش برای ایجاد روابطی پایدار مبتنی بر معیارهای منطقی و واقع‌گرایانه میان آن‌هاست. در حال حاضر، روابط دو کشور در چنین مسیری قرار دارد و در صورتی که روند و رویکرد کنونی حاکم بر مناسبات میان آن‌ها ادامه پیدا کند در آینده می‌توان شاهد روابطی پایدار و حتی راهبردی در روابط دو کشور بود.

دستاوردهای سفر روحانی به روسیه

در سفر اخیر رئیس‌جمهوری ایران به روسیه ۱۴ سند همکاری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، مالی و بانکی، حمل و نقل، شهرسازی، فناوری ارتباطات، نیرو، انرژی، استاندارد، حقوقی و قضایی با حضور رؤسای جمهوری ایران و روسیه امضا شد. این ۱۴ سند شامل موافقت‌نامه انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و روسیه، پروتکل اصلاح موافقت‌نامه



مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این بیانیه آمده است: «طرفین پایبندی خود را به برداشتن قدم‌های جدید برای ارتقای سطح روابط و گسترش عرصه‌های تعامل و مشارکت ایران و روسیه به منظور تنظیم و تحکیم همکاری‌های جامع راهبردی مورد تأکید قرار دادند». در این بیانیه، در مورد روابط دوجانبه گفته شده که «طرفین ضمن تأکید بر تلاش متقابل جهت پیشبرد روزافزون روابط اقتصادی سودمند، خواهان استفاده کامل از ظرفیت‌های همکاری در زمینه‌های دارای اولویت همچون انرژی، حمل و نقل، صنعت و معدن، هوا و فضا و سایر عرصه‌های علمی و فناوری‌های نوین به ویژه از طریق اجرای پروژه‌های مشترک شدند».

در مورد همکاری در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز طرفین بر مسائلی از جمله ادامه تلاش‌های مشترک با هدف استقرار نظام عادلانه جهانی بر اساس حقوق بین‌الملل، ضرورت مشارکت جمعی بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم بر اساس حقوق بین‌الملل، لزوم اجرای کامل تعهدات برجام توسط طرفین آن، گسترش روزافزون همکاری همه‌جانبه در دریای خزر در عرصه‌های مختلف، ادامه کمک به تحکیم حاکمیت در افغانستان و شکل‌گیری آن به عنوان کشوری باثبات، مردم‌سالار، مستقل و شکوفا، ضرورت تمرکز بر تدابیر مشخص با هدف امحاء تولید جهانی مواد مخدر، احترام به استقلال، وحدت، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه، اهمیت همکاری‌های سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه در زمینه برگزاری گفت‌وگوی سوری-سوری در شهر آستانه و امکان برقراری آتش‌بسی مؤثر و پایدار در سوریه، حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری عراق، نگرانی از استمرار جنگ ویران‌کننده در یمن و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مناطق مختلف آن کشور، توقف هرچه سریع‌تر درگیری و خونریزی‌ها در یمن و حل و فصل بحران در چارچوب گفتگوهای یمنی-یمنی، استقبال از تحولات صورت گرفته در لبنان که منجر به همکاری گروه‌های سیاسی آن کشور در دستیابی به راه‌حلی برای انتخاب رئیس‌جمهور و تشکیل دولت گردید، امیدواری نسبت به حل و فصل عادلانه و پایدار مسئله فلسطین، اهمیت تحکیم تعامل و هماهنگی در چارچوب سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای که ایران و روسیه در آن مشارکت دارند و تحکیم صلح و ثبات در آسیای مرکزی و قفقاز و آمادگی برای گسترش همکاری‌ها در این مناطق در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و سایر عرصه‌ها و در شکل‌های چندجانبه با مشارکت کشورهای منطقه تأکید کردند. علاوه بر این، طرف روسی حمایت تغییرناپذیر خود را از تمایل ایران برای عضویت کامل در

معاضدت در پرونده‌های جزائی و مدنی بین دولت ایران و روسیه، موافقت‌نامه لغو روادید گروهی گردشگری بین دولت ایران و دولت روسیه، یادداشت تفاهم همکاری وزارت نیروی ایران و وزارت نیروی روسیه در زمینه تجارت برق، یادداشت تفاهم همکاری در زمینه تربیت بدنی و ورزش میان وزارت ورزش و جوانان ایران و وزارت ورزش روسیه، یادداشت تفاهم در زمینه ساخت و ساز مسکن و خدمات عمومی بین وزارت راه و شهرسازی ایران و وزارت ساخت و ساز، مسکن و خدمات عمومی روسیه، یادداشت تفاهم بین مرکز ملی تأیید صلاحیت ایران و سرویس فدرال تأیید صلاحیت روسیه، یادداشت تفاهم همکاری در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات بین وزارت ارتباطات و رسانه‌های جمعی روسیه، یادداشت تفاهم همکاری‌های راهبردی بین راه‌آهن ایران و راه‌آهن روسیه، یادداشت تفاهم بین سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت دولتی انرژی اتمی روسیه (روس اتم) در زمینه انتقال مواد هسته‌ای، یادداشت تفاهم میان شرکت ملی نفت ایران و هلدینگ زمین‌شناسی روسیه (روس گیالوگیا)، یادداشت تفاهم همکاری بین اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و بنیاد روس کانگرس، یادداشت تفاهم همکاری بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت گازپروم روسیه در زمینه گاز و قرارداد پروژه برقی کردن خط ریلی گرسار- اینچه برون و ارسال تجهیزات هستند.

همچنین بیانیه مشترکی تحت عنوان «پیش‌به‌سوی همکاری‌های جامع راهبردی» از سوی دو طرف منتشر شد که دربرگیرنده افق و راه‌کارهای پیش‌بینی‌شده افزایش همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های

سازمان همکاری‌های شانگهای مجدداً اعلام کرد و خواستار بررسی هر چه سریع‌تر این موضوع به نحو مقرر در آن سازمان شد.

منطق، الزامات و موانع روابط پایدار ایران و روسیه

دلایل زیادی برای گسترش روابط ایران و روسیه و تلاش برای ایجاد الگویی پایدار در جهت‌دهی به مناسبات دو کشور وجود دارد. در بیانیه مشترک رؤسای جمهوری ایران و روسیه تحت عنوان «پیش‌به‌سوی همکاری‌های جامع راهبردی»، محورهای مهمی برای همکاری‌های دو کشور در روابط دوجانبه و در مورد برخی از مسائل و موضوعات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ذکر شده‌اند. در روابط دوجانبه، دو کشور پتانسیل ارتقای روابط و مناسبات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، علمی، فناوری، دفاعی، فرهنگی و گردشگری را دارند. با توجه به تحریم‌های غرب علیه ایران و روسیه، دو کشور نیاز به گسترش روابط در این حوزه‌ها داشته و در واقع، می‌توانند از این طریق برخی از نیازهای همدیگر را برآورده نمایند. روسیه می‌تواند بعضی از نیازهای دفاعی ایران و همچنین برخی نیازمندی‌های تکنولوژیک، هسته‌ای و زیرساختی آن را فراهم کند. در مقابل، ایران هم با توجه به تحریم بسیاری از اقلام خوراکی کشورهای اروپایی توسط روسیه، توان صادرات میوه، سبزیجات، مواد لبنی و ماهی و میگو به روسیه را پیدا کرده است. در زمینه‌های انرژی، فرهنگی و گردشگری هم دو طرف ظرفیت‌های خوبی برای همکاری دارند. البته موانع فعال کردن این ظرفیت‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها نیز بسیار زیاد است و برداشتن آن‌ها اراده قوی دو طرف را می‌طلبد.

موانع گمرکی، زیرساختی و بانکی از جمله مهم‌ترین این موارد هستند که تا کنون تلاش‌هایی برای کم کردن یا برداشتن آن‌ها صورت گرفته است اما هنوز هم با شرایط مناسب فاصله وجود دارد. وابستگی اقتصاد دو کشور به منابع نفت و گاز مانع مهم دیگری است. دو کشور که منابع درآمدی مشابهی داشته باشند و اقتصاد چندان متنوعی هم ندارند، به‌طور طبیعی امکان تعاملات گسترده تجاری و اقتصادی میان آن‌ها کاهش می‌یابد. موانع فرهنگی نیز وجود دارد که نقش مهمی در تقویت دیگر موانع ایفا می‌کنند. به هر حال، ایرانی‌ها و روس‌ها نگاه مثبتی نسبت به همدیگر ندارند و این مسئله‌ای تاریخی است. طبق یک نظرسنجی صورت گرفته توسط موسسه پیوا^۱ در ژوئن سال ۲۰۱۳، ۴۹ درصد روس‌ها نگاه مطلوبی به ایران نداشته و در مقابل، تنها ۳۲ درصد نگاه مساعد داشته‌اند. در ایران نیز دیدگاه مناسبی در مورد روس‌ها وجود ندارد. به هر حال، تغییر

این ذهنیت‌های منفی کار دشواری است و نیازمند افزایش و پایداری تعاملات فرهنگی و آموزشی میان مردم دو کشور است. منطق و الزامات همکاری ایران و روسیه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر است. در واقع، مقامات دو کشور نیز عمدتاً به مسائل و موضوعات همکاری در این سطوح نظر دارند؛ یعنی بیشتر نگاه امنیتی و سیاسی بر روابط و مناسبات دو کشور حاکم است تا نگاه اقتصادی و فرهنگی.

در سطح بین‌المللی، مقابله یا مخالفت با برخی از اقدامات آمریکا و غرب، مهم‌ترین عامل نزدیکی ایران و روسیه است. به هر حال، برخی از منافع هر دو کشور در معرض تهدید غرب به ویژه آمریکا هستند. روسیه با مسائلی مانند گسترش ناتو به شرق، استقرار سپرهای دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپا، مداخله غرب در محیط پیرامونی خود و تحریم‌ها و فشارهای غرب مواجه است. جمهوری اسلامی ایران نیز همیشه در معرض فشارها و تحریم‌های غرب به ویژه آمریکا بوده است. حمایت غرب از تغییرات سیاسی در برخی کشورهای غیرهمسو با خود (مانند اوکراین و سوریه) نیز برای روسیه و ایران یک مشکل اساسی است چون با تضعیف اصل حاکمیت، منافع این دو کشور در معرض تهدید بیشتری قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی است که در بیانیه مشترک رئیس جمهوری ایران و روسیه «ادامه تلاش‌های مشترک با هدف استقرار نظام عادلانه جهانی» به‌عنوان یکی از محورهای همکاری دو کشور قید شده است. مقابله با براندازی حکومت اسد به عنوان متحد ایران و روسیه نیز تا حدود زیادی در چنین چارچوبی قابل درک است. مبارزه با بنیادگرایی تروریستی - تکفیری موضوع مهم دیگری در روابط دو

اما تأثیرگذار است. بعد از توافق هسته‌ای، روس‌ها همیشه از مواضع ایران در برجام دفاع کرده‌اند و در مقابل تفسیرهای آمریکا از برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ سخن گفته و استدلال نموده‌اند. در مجموع، در اجرای تعهدات برجام و مقابله با نقض آن توسط آمریکا، روسیه به‌عنوان یکی از طرفین این توافق و عضو دائم شورای امنیت، توان اثرگذاری دارد.

با این همه منافع مشترک در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، یک مشکل بزرگ وجود دارد که این منافع مشترک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن عبارت است از نیاز ایران و روسیه به غرب به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری که قابل انکار یا نادیده گرفتن نیست. بخش عمده تجارت روسیه با اروپاست و منابع حاصل از فروش نفت و گاز به اروپا برای اقتصاد روسیه اهمیت حیاتی دارد. همچنین روسیه برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و تکنولوژیک خود به صورت اساسی نیازمند سرمایه‌گذاری و تکنولوژی غرب است. تأثیرگذاری قابل توجه تحریم‌های نه‌چندان زیاد و اساسی غربی‌ها بر اقتصاد روسیه در مسئله اوکراین، نشان می‌دهد تا چه اندازه روابط با غرب برای اقتصاد روسیه مهم است. اثرگذاری شدید تحریم‌ها و فشارهای غرب بر اقتصاد و دیگر مسائل ایران در موضوع هسته‌ای نیز نشان از اهمیت روابط با غرب برای جمهوری اسلامی ایران دارد. این وابستگی و نیازمندی که ایران و روسیه به غرب دارند، مانع از آن می‌شود که دو طرف بتوانند منافع سیاسی و امنیتی مشترک خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌طور شایسته‌ای پیش ببرند. به هر حال، این منافع سیاسی و امنیتی مشترک در بسیاری از موارد در تقابل با غرب است و پیگیری آن‌ها غربی‌ها را حساس کرده و اراده ایران و روسیه برای ارتقای روابط خود به سطح راهبردی را دچار تزلزل می‌کند. بخشی از عدم اعتماد ایران و روسیه به همدیگر نیز به همین موضوع برمی‌گردد. در واقع، دو طرف از اینکه ممکن است یکی از آن‌ها در روابط با غرب به گونه‌ای بازی کند که منافع طرف دیگر نادیده گرفته شود، حساس هستند. در همین چارچوب است که بسیاری از ایرانی‌ها در حال حاضر معتقدند ممکن است روسیه در سوریه با غرب کنار بیاید و منافع ایران را قربانی سازد. مسئله دیگر این است که روسیه یک قدرت بزرگ است و سطح بازیگری قدرت‌های بزرگ نیز جهانی است. به همین دلیل، بخش عمده‌ای از منافع قدرت‌های بزرگ در ارتباط با همدیگر است. بنابراین، سطح و نوع بازیگری قدرت‌های بزرگی مانند روسیه با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای متفاوت است. در چنین شرایطی، ممکن است روسیه در روابطش با قدرت‌های

کشور ایران و روسیه است؛ مسئله‌ای که جنبه عملی به خود گرفته و نمود بارز آن، تقابل دو کشور با گروه‌های تروریستی در سوریه است. به هر حال، تروریسم تکفیری برای هر دو کشور تهدیدی جدی است.

روسیه با تهدید بنیادگرایان در مناطق مسلمان‌نشین خود مواجه است؛ جایی که تعداد زیادی از این بنیادگرایان به گروه‌های تروریستی به ویژه داعش پیوسته‌اند. ایران نیز به دلیل شیعه‌بودن، یکی از اهداف اصلی گروه‌های تروریستی - تکفیری است. بنابراین، هر دو کشور برای مقابله با تروریسم تکفیری نیازمند همکاری با همدیگر هستند. تأکید رؤسای جمهور ایران و روسیه در بیانیه مشترک خود بر مقابله با تروریسم در خاورمیانه و تلاش برای کمک به باثبات‌سازی افغانستان، ناشی از این الزام است. همکاری در مسائل مربوط به خزر نیز برای ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور مهم ساحلی این دریاچه اهمیت اساسی دارد و هرگونه تخریب یا ناامنی در آن برای منافع آن‌ها پیامد منفی خواهد داشت. بنابراین، ناچارند در خزر نیز همکاری کنند. در آسیای مرکزی و قفقاز هم هرچند روسیه تمایل ندارد به دیگران فرصت زیادی برای بازیگری بدهد اما به هر حال حضور و نفوذ ایرانی که به روسیه نزدیک است در این منطقه، برای مسکو بسیار بهتر از حضور دیگرانی مانند کشورهای غربی یا ترکیه و عربستان سعودی و یا حتی چین است. منفعت‌های عضویت رسمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و حتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای روسیه نیز بیش از هزینه‌های آن برای این کشور است. در پیشبرد برجام، روسیه می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند. به هر حال، هرچند روسیه در این مورد بازیگری تعیین‌کننده نیست

بزرگ و حتی قدرت‌های منطقه‌ای، لازم بیند منافع مشترک با جمهوری اسلامی ایران را به نفع منفعتی بزرگ‌تر یا هدفی بالاتر نادیده بگیرد. این موضوع در بسیاری از موارد باعث بی‌اعتمادی، اختلاف و حتی در مواردی تنش میان مسکو و تهران شده است.

نتیجه‌گیری

ایران و روسیه منافع مشترک زیادی دارند. در سوریه، نفع دو کشور در حمایت از حکومت اسد و جلوگیری از تغییری بنیادین در عرصه سیاسی آن کشور است. البته دو طرف در بسیاری از موارد اهداف متفاوتی در رابطه با سوریه دارند، ولی این باعث عدم همکاری نمی‌شود، چون این اهداف در تعارض با هم نیستند. بحث دیگر این است که منافع جمهوری اسلامی ایران و روسیه با سقوط اسد و تغییر بنیادین در حکومت سوریه به خطر می‌افتد. در مبارزه با تروریسم تکفیری هم هر دو کشور منافع مشترکی دارند چون این نوع تروریسم چه در سوریه باشد یا عراق، یمن، افغانستان و یا هر جای دیگر، تهدیدی علیه منافع آن‌هاست. مبارزه با مواد مخدر با توجه به نزدیکی دو کشور به افغانستان به‌عنوان یکی از منابع اصلی کشت و تولید این مواد نیز منافع مشترک ایران و روسیه است. جلوگیری از ایجاد ناامنی و مقابله با تهدیدات مختلف چه در حوزه‌های سیاسی و امنیتی یا زیست محیطی و... در دریای خزر برای دو کشور اهمیت اساسی دارد. ثبات در بازار انرژی و هماهنگی بیشتر کشورهای صادرکننده نفت و گاز برای تأثیرگذاری بر قیمت این منابع هم برای دو کشور که بخش عمده‌ای از درآمدها از این طریق تأمین می‌شود، موضوع مهمی است.

مقابله یا مخالفت با اقدامات یک‌جانبه غرب و به ویژه آمریکا در مسائل جهانی به‌خصوص مسائل مرتبط با منافع و امنیت ملی ایران و روسیه و تلاش برای شکل‌دهی به نظمی چندقطبی که می‌تواند منافع دو کشور را بهتر تأمین کند نیز جزو منافع مشترک ایران و روسیه است. تداوم برجام و اجرای تعهدات آن هم منافع مشترکی برای روسیه (به‌عنوان یک قدرت بزرگ مخالف اشاعه هسته‌ای) و ایران به‌شمار می‌آید. همچنین، حمایت روسیه از مواضع ایران در بحث برجام و تفسیر قطعنامه ۲۲۳۱ به ویژه در مسئله موشکی موضوع مهمی برای جمهوری اسلامی ایران است. در روابط دوجانبه هم ایران و روسیه می‌توانند سطح مناسبات خود را به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، دفاعی، فنی و تکنولوژیکی، هسته‌ای و فرهنگی ارتقا دهند و روابطی پایدارتر ایجاد کنند.

موارد فوق نشان می‌دهد دلایل زیادی برای ایجاد روابطی پایدار میان ایران و روسیه وجود دارد اما با وجود این، عواملی هستند که در مسیر تحقق این منافع مشترک خلل ایجاد می‌کنند. ذهنیت‌های منفی تاریخی ایرانیان و روس‌ها نسبت به همدیگر، ضعف زیرساخت‌های همکاری در بخش‌های اقتصادی به ویژه در حوزه‌های ارتباطی، گمرکی و بانکی، اقتصادهای رانته وابسته به صادرات انرژی و واردات تکنولوژی و مواد مصرفی، نیاز ایران و روسیه به غرب به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری و سطح متفاوت بازیگری مسکو و تهران در نظام بین‌الملل از جمله عوامل و دلایلی هستند که تا کنون از شکل‌گیری رابطه‌ای پایدار و منطقی میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه جلوگیری کرده‌اند. رفع این موانع نیاز به آگاهی، اراده و زمان دارد. به‌نظر می‌رسد طی سال‌های اخیر، در مقامات روسی و ایرانی آگاهی و اراده کافی برای ایجاد چنین روابطی شکل گرفته است. آقای روحانی در کنفرانس مشترک خبری با پوتین در مورد روابط ایران و روسیه عنوان کرد: «روابط دوجانبه ما وارد مرحله جدیدی شده است و در این مرحله می‌توانیم درباره روابط پایدار و بلندمدت وارد گفت‌وگو شویم».

در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد ایران و روسیه به درک واقع‌گرایانه‌تری از منافع مشترک و همچنین الزامات مربوط به منافع همدیگر دست پیدا کرده‌اند. در صورت تداوم روند و رویکرد کنونی در روابط دو کشور، می‌توان انتظار داشت مناسبات میان آن‌ها در سال‌های پیش‌رو پیشرفت مناسبی داشته باشد و به سمت پایداری بیشتر حرکت کند.

